

آیا خون

شکننده و ضوع است؟



دیپازین: الحاج سلیه عابد پیمان سویدن

۱۳۹۴

تتبع و نگارش :

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان
و مسؤل مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی



www.masjed.se

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا خون شکننده وضو است؟

خون چیست؟

علماء در تعریف خون مینویسند: خون عبارت از یک مایع سرخ رنگی است که در تمام رگ‌های بدن انسان جریان دارد، و توسط همین خون است که جسم تغذیه میگردد. طعم خون متمایل به شوری است، و دارای بوی مخصوص میباشد. خون از کرویات سفید و سرخ و پلاسما ترکیب یافته است. خون نقش حیاتی را در جسم انسان دارا میباشد. طب امروزی برای تشخیص درد و پیدا کردن عامل اصلی امراض (دیاگنوز)، اکثراً به معاینات و یا هم معاینات لابراتواری خون صورت میگیرد.

حکم خون در اسلام:

کلمه « خون » که در عربی آنرا « دم » گویند در قرآن عظیم الشان (10) بار ذکر شده است .

پروردگار با عظمت ما در چهار سوره ی قرآن عظیم الشان با الفاظ مختلف به خون و پرهیز از خوردن آن اشاره کرده است. در سه آیه با الفاظ شبیه به هم آمده « إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ... » ولی در سوره (انعام آیه 145) این گونه آمده است: « بگو ای پیامبر در احکامی که به من وحی شده، من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه مردار حیوان باشد. یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که آن پلید است. »

موضوع خوردن خون در میان اقوام و ملل جهان سابقه‌ای طولانی داشته و در دوران جاهلیت یعنی قبل از اسلام نیز مردم خون را می‌خوردند آنها گوسفند را سر نمی‌پریدند که مبادا خونسش بریزد و از بین برود. بلکه با گرفتن خون از طریق رگ زدن، از خون شان استفاده می نمودند.

بعد از ظهور اسلام و نزول آیات الهی از قرآن عظیم الشان درین مورد ، مبارزه شدیدی با خوردن خون آغاز گردید و خوردن خون در قرآن عظیم الشان بصورت مطلق ممنوع شد.

قرآن کریم میفرماید: « بگو ای پیامبر! در احکامی که به من وحی شده چیزی که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه مردار باشد یا خون ریخته

«.

خداوند متعال در سوره (مائده آیه 3) تأکید میکند که حیوانات حلال گوشت را ذبح نمایید. ذبح شرعی با بریده شدن و قطع رک ها و شریان های بزرگ (چهار رگ اصلی) باعث خروج تمام خون بدن حیوان می شود و دست و پا زدن حیوان ذبح شده نیز به این امر کمک میکند.

بسیاری از مفسرین و فقها، خرید و فروش و هر نوع استفاده ای از خون را حرام اعلام داشتند. علت اساسی این در این نهفته بود که: اعراب بجز از خوردن خون د فکر استفاده دیگری از خون نبودند، بناً دین مقدس در نص صریحی قرآنی آنرا حرام اعلام داشت، و خون را یکسره در ردیف محرّمات و نجاسات قرار دادند.

ولی در باره خون انسان، نه از حلیت سخنی گفتند و نه از حرمت آن زیرا، فایده و منفعت عقلانی و مفید و کارساز، برای خون انسان متصور نبوده است که فقها آن را به بحث بگذارند که آیا چنان استفاده ای از خون رواست، یا ناروا. از آن جا که امروز، منافع کثیری برای خون و بخصوص برای خون انسان کشف شده، این بحث مطرح می شود که مفاد ادله حرمت استفاده چیست؟ آیا مطلق بهره برداری و خرید و فروش حرام آن است، یا فقط آشامیدن آن و خرید و فروش در راستای منافع حرام؟ آیا ادله ای که فقها اقامه کرده اند بر حرمت خون، خون انسان را که در طب امروزی مقام مهمی را دارا میباشد، و در معاینات مریضان از آن استفاده وسیع می برند، در برمی گیرد؟ یا خیر منظور آنان فقط خون حیوان بوده و آن هم (اکل) و یا خرید و فروش آن. طوریکه ملاحظه می گردد، حرمت خون درنصوص شرعی که در فوق تذکر یافت با توجه به قرآن موجود، به اعتبار (خوردن) است، نه هر نوع استفاده و بهره برداری دیگر از خون.

هر حرام نجس نیست ولی هر نجس حرام است!

نجاست و طهارت اشیاء احکام وضعی و تکلیفی اند که در دین اسلام و سایر شرایع، چنین احکامی وجود دارند. در دین مقدس اسلام اصل بر طاهر و پاک بودن اشیاء است مگر آنکه دلیلی بر نجاست آن در شریعت وارد شده باشد. نجاست اشیا به دلایل متعدد است، یا به جهت خبیث و زشت بودن ظاهر آن ها و تنفر طبیعت انسانی از آن ها نجس شده اند، مانند بول و غایط یا به جهت خبیث و زشتی باطنی آن ها مانند کافر و یا به جهت ضرروزیانی که می تواند داشته باشد مانند سگ، یا به دلایل دیگر که برخی از آن ها در شریعت اسلام بیان شده و برخی بیان نشده اند. در مورد علت نجاست خون، در روایات به موردی دست

نیافتیم که علت و فلسفه آن را بیان کرده باشد. شاید علت و سبب آن وجود بعضی از امراض و انتقال برخی از مریضی به واسطه خون است و یا به نوعی طبع انسان از آن دوری می کند. نه در زمانی که در بدن است، حتی در بعضی از موارد، برخی از خون‌ها حکم نجس را ندارند، مثلاً خون حیوان حلال گوشت که پس از ذبح شرعی، اگر مقداری از خون که در گوشت باقی بماند، در حکم خون طهار بشمار می‌رود، و فقها بر پاکی آن حکم صادر نموده است.

نکته آخر این که علت اصلی و واقعی و به تعبیر دیگر « علت تامه » احکام و از جمله نجاست و طهارت اشیا برای ما مشخص نیست و آنچه در روایات آمده و علت بعضی از احکام را بیان کرده است، تنها حکمت‌ها و علت ناقصه را بیان کرده‌اند. علت واقعی و حقیقی این احکام و مصلحت و مفسده‌های واقعی که در آن‌ها وجود دارند، برای ما کاملاً مشخص نشده‌اند.

طوری‌که قبلاً اشاره شد، حکمت و فلسفه حلال و حرام برای ما انسانها دقیقاً معلوم نیست که، اگرچه حکمت و فلسفه آن نزد پروردگار مصلحت واقعی و حقیقی دارد که ما از آن‌ها خبر نداریم و به همین خاطر باید تعبداً آن‌ها را قبول کرد.

این را باید قبول نمایم که، نجاست و حرمت خون از این امر مستثنا نبوده و نجاست و حرمت مبتنی بر مفسد و پیامدهای منفی است که در خوردن خون وجود دارد. به نظر میرسد بین نجاست خون و حرمت خوردن آن رابطه وجود دارد، یعنی به دلیل زیان‌هایی که در خوردن وجود داشته، اسلام اول به نجاست آن حکم صادر کرده است. و بعد از آن به خوردن آن تا مسلمانان از آن پرهیز نمایند.

یکی از مفسرین در تفسیر آیه (173 سوره بقره) می‌فرماید: دومین چیزی که در آیه تحریم شده «خون» است. خونخواری هم زیان جسمی دارد و هم اثر سوء اخلاقی، چرا که خون از یک سو ماده کاملاً آماده‌ای است برای پرورش انواع میکروب‌ها.

تمام میکروب‌هایی که وارد بدن انسان میشوند، به خون حمله میکنند. و آن را مرکز فعالیت خویش قرار میدهند، به همین دلیل گرویات سفید که محافظین و سربازان جسم اند، همواره در منطقه خون پاسداری میکنند تا میکروب‌ها به این سنگر حساس که به تمام مناطق بدن ارتباط نزدیک دارد، راه پیدا نکنند.

مخصوصاً هنگامی که خون از جریان می‌افتد و به اصطلاح می‌میرد، و گرویات سفید از بین می‌رود، زمانی‌که گرویات سفید از بین روند و یا در وجود تقلیل

یابند ، امکان نفوذ میکروب ها در بدن گسترش می یابد . اگر توجه به فرماید زمانیکه در وجود انسان لخته ویا بمیرد از جمله ، آلودهترین اجزای بدن انسان و حیوان مبدل میگردد.

در روایت اسلامی آمده است که : « آنها که خون میخورند، آن چنان سنگدل میشوند که حتی ممکن است دست به قتل پدر و مادر و فرزند خود بزنند . » . به خاطر همین زیانهای اخلاقی، روانی و جسمی خون بوده است که اسلام هم به نجاست آن حکم نموده و هم به تحریم آن: « اِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ الدَّمَّ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ... » (خداوند تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده‌اند، بر شما تحریم کرده است) در اسلام از خوردن خون نهی و به نجاست آن حکم صادر شد ، اما استفاده‌های معقول مانند تزریق خون برای نجات جان مجروحان و مریضان و مانند آن، اشکال در شرع اسلام کدام مشکلی ندارد، حتی دلیلی بر تحریم خرید و فروش خون برای این موارد در دست نیست، چرا که استفاده‌های عقلایی و مشروع مورد ضرورت عمومی است و این بدان جهت است که آثار منفی خون در نجاست و حرمت خوردن نقش دارند.

آیا خون شکننده وضو است؟

اکثریت علماء و فقها بدین باور اند که، خروج خون از بدن (به جزء از سبیلین (طریق مقعد و آلت) کم باشد ویا هم یا زیاد، از طریق زخم یا حجامت باشد، موجب باطل شدن وضوء نمی گردد. و این نظریه مورد تائید مذهب امام مالک و امام شافعی میباشد .

ولی امام صاحب ابوحنیفه (رح) در مخالفت صریح این نظریه بوده و میفرماید که : خروج خون از بدن بصورت مطلق وضوء را باطل می سازد.

امام ابوحنیفه رحمة الله علیه میفرماید :

حدیثی را که امام شافعی و امام مالک بدان استدلال مینمایند و حکم بر بطلان عضو در حال خروج خون از بدن صادر کرده اند ، حدیثی متذکره صحیح نبوده و منسوخ میباشد لذا به هیچوجه نمیتوان به آن عمل نمود.

امام صاحب ابوحنیفه میفرماید : « از بدن اگر خون یا ریم خارج شود وپاژ ظاهر شود به تجاوز نمودن در آن محلیکه که در غسل یا وضو حکم پاک کردن آن شده است . یعنی علاوه از سبیلین از دیگری جای در خروج صرف اشکار شدن پلیدی کافی نیست بلکه سیلان نمودن شرط است پس اگر خون بر سر زخم قرار داشت لیکن جریان ننموده باشد پس به این وضو نمی شکند . »

هکذا امام صاحب ابوحنیفه میفرماید که در ضمن نواقص وضو به « دهن پر استفراق کردن میباشد، و به دهن پر قی کردن آنست که آنرا بدون تکلیف و مشقت بند نموده میتواند . » امام

صاحب ابو حنیفه برای تائید رای خویش به حدیثی ذیل استناد مینماید :
 «عن نافع ؛ أن عبد الله بن عمر كان إذا رعى ، انصرف فتوضأ ، ثم رجع فبني ولم يتكلم» (موطا امام مالک 67) . (از نافع روایت شده است که چون از بیینی حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما در نماز خون می آمد ، از نماز بیرون شده و وضو می گرفت سپس بر گشته و بر نمازش بنا می نمود و در این مدت با کسی سخن نمی گفت .)

همچنان به حدیثی که ابن ماجه روایت نموده است استدلال نموده طوریکه در این حدیث آمده است : « عن عائشة قالت : قال رسول الله صلى الله عليه وسلم : من أصابه قيء ، أو رعاف ، أو قلس ، أو مذي فلينصرف فليتوضأ ، ثم ليبن على صلاته وهو في ذلك لا يتكلم » از حضرت بی بی عایشه رضی الله عنها روایت شده که رسول اله صلی الله علیه وسلم فرمود : کسیکه (در نماز) استفراغ نماید یا بیینی اش خون آید یا استفراغ غلبه نموده و در دهان آید یا مزی بیرون آید ، آن شخص از نماز بیرون رفته و وضو گیرد سپس بر نمازش بنا کند بشرطیکه سخن نگفته باشد ، یعنی با قیمانده نمازش را بخواند . قابل تذکر است که علماء علم حدیث از جمله شیخ الألبانی حدیثی متذکره که علمای حنفی بدان استدلال نموده اند از جمله احادیثی ضعیف می شمارند .

رای امام صاحب حنبل رحمة الله عليه :

امام صاحب حنابل موضوع خون را که ایا شکننده وضو است و یا خیر از دید دیگری مورد بررسی و بحث قرار داده است .
 اما م صاحب حنبل میفرماید : زمانیکه خون از بدن خارج میشود ، باید دیده شود که اگر مقدار خون زیاد باشد ، وضوء باطل می گردد ، و اگر مقدار خون کمتر باشد وضو باطل نمیگردد .

استدلال امام صاحب شافعی و امام صاحب مالک :

نظریات و استدلال امام صاحب شافعی و امام صاحب مالک در مورد اینکه خونیکه غیر از (سبیلین) از بدن خارج میگردد ، بصورت مطلق شکننده وضو نمیباشد :
 - امام صاحب مالک و امام صاحب شافعی میفرماید : تمامی احادیثی که در مورد واجب شدن وضوء بر اثر خروج خون به نزد انیمه مذاهب تذکر رفته است ، اسناد هیچ کدام از احادیثی که بدان استناد نموده اند ، صحیح نمی باشد و احادیثی متذکره ضعیف اند .

امام صاحب مالک و امام صاحب شافعی می افزاید :

- اصل بر بقای وضوء است مگر آنکه نص یا اجماع بر نقض آن دلالت داشته باشد .

- در روایت اسلامی آمده است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم حجامت کرد و نمازش را خواند و وضوء نگرفت، و تنها جای حجامت و خون گرفتگی را شست. (سنن الکبری (1-221) رقم (666))

- همچنان در حدیثی آمده است که : روزی حضرت عمر (رض) حجامت کرد ، صرف محل حجامت را شست و به نماز خویش ادامه داد . (مراجعه شود بیهقی 140-1)

- امام بخاری در حدیثی روایت کرده میفرمایدکه : « ابن عمر رضی الله عنهما، دانه روی خوی را فشار داد و از آن خون بیرون پرید و بعد از بدون اینکه اقدام به وضوء نماید ، آغاز به نماز خواندن کرد . این حدیث را میتوان در : (ابن ابی شیبیه (1-92)) و امام بخاری (1-29)) تعلیقاً آنرا ذکر نموده است ملاحظه نماید .مراجعه شود (التلخیص الحبیر (1-114) المحلی (1-260))

- هکذا در حدیثی دیگری آمده است که در دهن عبد الله بن ابی اوفی خون آمد ، خون را از دهن خود بیرون انداخت ، در حالیکه دهنش خون پور بود به نماز ایستاد ، و مصروف نماز خواندن شد . (مراجعه شود به مصنف عبد الرزاق (1-148)) .

- همچنان در حدیثی دیگری آمده است که دو تن از صحابه کرام که مسؤلیت محافظت پیامبر صلی الله علیه وسلم را در غزوه «ذات الرقاع» بدوش داشتند ، یکی از آنان زمانیکه به نماز ایستاد ، توسط دشمن مورد اصابت تیری قرار گرفت ، صحابی در حالیکه تیر را از وجود خود بیرون کشید ، و به نماز خویش ادامه داد ، زمانیکه صحابی دوم از موضوع اطلاع حاصل کرد برایش گفت : چرا مرا با خبر نساختی ، صحابی مجروح گفت من مصروف خواندن سوره شیرینی از قرآن عظیم الشان در نماز بودم ، بخود اجازه ندادم تا آنرا ناتکمیل گذاشته و ختم نماز کنم.

بعد آ پیامبر صلی الله علیه وسلم از حادثه اطلاع حاصل کرد ، ولی برای صحابی نگفت که به اعاده نماز بپردازد.

عالم دانشمند عینی در شرح هدیه (1-122) مینویسد « فبلغ ذلک النبی ص فدعا لهما » از این داستان پیامبر صلی الله علیه وسلم اطلاع حاصل کرد ، پیامبر صلی الله علیه وسلم برای این دو صحابی دعاء کرد . (مراجعه شود : مرعاه 2-46 للمبارکفوری)

« حدثنا أبو توبه الربیع بن نافع حدثنا ابن المبارک عن محمد حدثني صدقة بن يسار عن عقيل بن جابر عن جابر قال خرجنا مع رسول الله صلى الله عليه وسلم

یعنی فی غزوة ذات الرقاع فأصاب رجل امرأة رجل من المشركين فحلف أن لا أنتهي حتى أهریق دما فی أصحاب محمد فخرج یتبع أثر النبی صلی الله علیه وسلم فنزل النبی صلی الله علیه وسلم منزلاً فقال من رجل یکلوننا فانتدب رجل من المهاجرین ورجل من الأنصار فقال کونا بقم الشعب قال فلما خرج الرجلان إلى قم الشعب اضطجع المهاجری وقام الأنصاری یصلي وأتى الرجل فلما رأى شخصه عرف أنه ربیئة للقوم فرماه بسهم فوضعه فیہ فنزعه حتى رماه بثلاثة أسهم ثم رکع وسجد ثم انتبه صاحبه فلما عرف أنهم قد نذروا به هرب ولما رأى المهاجری ما بالأنصاری من الدم قال سبحان الله ألا أنبھتني أول ما رمی قال كنت فی سورة أقرؤها فلم أحب أن أقطعها». (ابن حدیث در ابو داود (29-1) وابن خزیمه (24-1) ، ابن حبان (212-2) وبخاری تعلیقاً (29-1) والبیهقی (141-1) والحاكم فی المستدرک (156-1) وفی سیره ابن هشام (208-2) والحافظ فی التلخیص (114-1) والدارقطنی فی سننه (231-1) رقم (858) وابن القیم فی زاد المعاد (227-3) مطالعه فرماید .

- در حدیثی که روای آن حضرت ابو هریره میباشند و امام بخاری (20-1) و امام مسلم آنرا روایت فرموده و هكذا این حدیث در مشکوة (40-1) هم تذکر رفته است که : پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده است : « لا وضوء الا من حدث اوریح » (وضوء نیست مگر بی وضوءی او خروج هوا) .

خواننده محترم !

در حدیث فوق ملاحظه فرمودید که با صراحت تام الفاظ حصر اماده است که بجز چیزی که از سبیلین یعنی از دو مجرای پیش و پس بیرون نه آید ، در غیر آن وضوء باطل نمی شود .

بنأ حکم اسلامی و شرعی همین است که :

خروج خون از بینی هنگام نماز، نماز را باطل نمیکند زیرا اولاً قول راجح اینست که خون بنی آدم نجس نیست، زیرا اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم در جنگ زخمی بوده اند ولی در همان حالت خون آلود نماز را میخوانده اند، ولی فراموش نباید کرد که خون حیض و یا خونی که از سبیلین (شرمگاه و مقعد) خارج شود نجس هستند.

و ثانیاً خروج خون از بدن وضوء و نماز را باطل نمیکند، زیرا دلیلی در شرع برای بطلان وضوء و نماز هنگام خروج خون از بدن وارد نشده است.

خون نجس در اسلام:

اول : خون در حال حیات:

اگر خون در حال زندگی از حیوان جاری گردد، قرآن عظیم الشان آنرا بحیث خون نجس اعلام داشته و آیه (۱۴۵ سوره انعام) این حکم را به این صراحت بیان

فرموده است :

« قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا » (بگو: در آنچه بر من وحی شده، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم؛ بجز اینکه مردار باشد، یا خونی که (از بدن حیوان) بیرون ریخته باشد. ولی خونیکه بعد از ذبح در گوشت حیوان باقی میماند، آن خون را شرع حلال دانسته است .

از ابومجلز درباره‌ی خونی که در محل ذبح حیوان باقی می‌ماند و خونی که روی دیگ می‌ماند، سوال کردند؟ گفت: اشکال ندارد، فقط از خون جهنده و جاری نهی شده است. عبد بن حمید و ابوالشیخ این مطلب را از او نقل کرده‌اند.

هكذا در حدیثی که حضرت از عایشه رضی الله عنها روایت شده آمده است : « كُنَّا نَأْكُلُ اللَّحْمَ وَالِدَمَ خَطُوطَ عَلَى الْفَقْرِ » (ما گوشت می‌خوردیم در حالیکه خطوط خون، بر روی دیگ نمایان بود). (فقه السنه).

دوم: خون حیض:

خون حیض به دلیل حدیث حضرت عایشه و اسماء، نجس است: از اسماء دختر ابوبکر رضی الله عنه روایت است: « جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ: إِيحَدُنَا يَصِيبُ ثَوْبَهَا مِنْ دَمِ الْحَيْضِ كَيْفَ تَصْنَعُ؟ فَقَالَ: تَحْتَهُ ثُمَّ تَقْرُصُهُ بِالْمَاءِ ثُمَّ تَنْضَحُهُ، ثُمَّ تَصَلِّي فِيهِ » «زنی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: اگر لباس یکی از ما به خون حیض آلوده شد، چکار باید بکنند؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آن را از لباسش بزداید و سپس با نوک انگشتان و آب آن را بشوید و سپس بر روی آن، آب بریزد و در آن نماز بخواند ». (متفق علیه)

سوم: طوریکه در فوق اشاره نمودیم:

خروج خون از بدن (بجز از دو سبیل پشت و جلو) موجب باطل شدن وضوء نمی‌شود.

هیئت دائمی افتا در این باره می‌گویند: « دلیل شرعی در دست نداریم که خروج خون از بدن (غیر از راه‌های عقب و جلو) ناقض وضوء باشد. اصل این است که خون ناقض وضوء نیست و مبنای عبادات توقیفی است. بنابراین هیچ کس اجازه ندارد که بگوید این عبادات مشروع است؛ مگر آن‌که دلیلش را ارائه بدهد. البته برخی از علماء خروج خون را از نواقض وضوء شمرده‌اند .

بنابراین اگر کسی در اثر خروج خون (ولو این‌که از غیر شرمگاه خارج شود)

وضوء بگیرد کارش خوب و پسندیده است و راه احتیاط در پیش گرفته و خودش را از اختلاف خلاص نموده است.

رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: « دَعَا مَا يَرِيْبُكَ إِلَى مَا لَا يَرِيْبُكَ » نسائی، ترمذی، حاکم... (آنچه که تو را به شک می‌اندازد ترک کن و به سوی چیزی برو که تو را به شک نمی‌اندازد)

(تفصیل موضوع را میتوان در فتاویٰ انجمن دایمی مباحث علمی و افتا (۲۶۱/۵). مطالعه فرماید)

چهارم: خون ماهی:

علماء میگویند که خون ماهی پاک است. زیرا ماهی مرده پاک است و این دلیلی است بر این که خون آن هم پاک است؛ زیرا فلسفه‌ی تحریم مردار، بقای خون در وجود آن است.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «مَا أَنْهَرَ الدَّمَ وَذَكَرَ اسْمُ اللهِ عَلَيْهِ فَكُلْ» بخاری (۲۴۸۸) و مسلم (۱۹۶۸). (هر وسیله‌ای که موجب جاری شدن خون از حیوان است و (به هنگام ذبح) نام الله بر آن ذکر شده باشد از گوشت آن بخورید).

پنجم: خون مگس، پشه:

خون مگس، پشه و امثال اینها در شرع اسلامی پاک بوده، زیرا این حشرات اگر بمیرند باز هم پاک‌اند، کما این که حدیث «امر به فرو بردن مگس در نوشیدنی‌ها» دلالت بر همین مطلب دارد.

(تفصیل آن را در بخاری (۳۳۲۰-۵۷۸۲). میتوانید مطالعه فرماید.)

خون انسان و خون حیوان حلال گوشت:

در مورد اینکه خون انسان و خون (حیوان حلال گوشت) در صورتیکه بر لباس ریخته شود، نجس است یا خیر علماء بدو دسته تقسیم گردیده اند:

دسته اول:

خون انسان و خون حیوان حلال گوشت نجس است:

تعداد از علماء از جمله امامان اربعه (امام ابوحنیفه، امام مالک، امام شافعی و امام احمد) همگی در این امر متفق القول اند که:

خون انسان (و خون حیوان حلال گوشت) در صورتیکه این خون بر لباس و یا بدن ریخته شود نجس است، و نماز با لباس خون الود و یا بدن خون الود و یا آلوده به (خون انسان و حیوان حلال گوشت) صحیح نمی‌باشد، زیرا شرط صحت نماز پاکی بدن از نجاسات است و خون انسان نجس است.

اگر ثابت شود که بر نجاست خون انسان اجماع وجود دارد، در آنصورت به دلایل موافقین بر ظاهر بودن خون النفات نمی شود، زیرا اجماع حجت قاطعی است که عدول از آن جایز نیست.

امام ابن قیم رحمه الله در (إغاثة اللهفان ۱/۲۴۰) چنین میفرماید: « از امام احمد سوال شد: آیا خون و چرک زرد (زخم بدون خون) نزد شما یکی است؟ فرمود: خیر، خون انسان مردم در (نجاست آن) اختلاف ندارند.» علماء این قول امام احمد را دلیل بر اجماع امت بر نجس بودن خون دانسته اند و لذا اکثر قریب به اتفاق علماء حکم به نجاست خون داده اند و بر اساس این حکم نمازی که با لباس خونی انسان آغشته شده باشد، صحیح نیست. امام ابن حزم رحمه الله در «مراتب الاجماع» گفته: علماء بر نجاست خون اتفاق دارند. همچنین حافظ ابن حجر در فتح الباری (صفحه 420 جلد اول) این اتفاق علماء را نقل کرده است.

و امام ابن عبدالبر در «التمهید» (۲۳۰/۲۲) می گوید: « حکم تمامی (انواع) خون بمانند خون حیض است مگر آنکه قلیل و اندک باشد که از آن گذشت شده است. و این اجماع مسلمین است که خون مسفوح (جاری) رجس و نجس است. و امام ابن عربی در «احکام القرآن» (۷۹/۱) مینویسد: « علماء اتفاق کرده اند که خون حرام و نجس است و خورده نمی شود و انتفاع از آن صورت نمی گیرد.»

و امام نووی در «المجموع» (۵۷۶/۲) می نویسد: « دلایل وارده بر نجاست خون ظاهر و واضح هستند، و نمی دانم که در این مورد احدی از مسلمین خلافی گفته باشند بجز آنچه که صاحب کتاب الحاوی از بعضی از متکلمین حکایت کرده: خون ظاهر است، اما گفته و نظر متکلمین در اجماع محسوب نیست.»

دسته دوم:

خون انسان و خون حیوان حلال گوشت نجس نیست:

تعداد از علماء منکر وجود اجماع شده اند و با استناد به برخی از نصوص حکم به پاک بودن خون انسان صادر نموده اند. این تعداد از علماء حکم صادر نموده اند: نماز کسی که لباسش به خون انسان آلوده شده باشد، لباس اش نجس نه و نماز اش صحیح است.

این علماء معتقد اند که:

1- اصل در اشیاء پاکی یعنی طهارت بودن آنها تا زمانیکه حکم نجاست بر آن صادر نشده باشد طوری که از روایات اسلامی معلوم میگردد که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن بدون (خون حیض) امر نموده اند ولی اگر خونی از

اثر جراحت و حجامت و سایر موارد از بدن انسان جاری میشود اگر در جمله خون نجس شامل میگردید پیامبر صلی الله علیه وسلم حتماً عامل نجسات آنرا بیان میداشت .

در حدیث متبرکه آمده است : از اسماء (رضی الله عنها) روایت است که گفت : زنی نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم آمده و گفت : اگر کسی از ما بالای لباسش حیض شود، چه باید بکند ؟ فرمودند : ﴿ آن را بخراشد ، بعد ازان آنرا در آب بهم مالد، و آب را بر آن بپاشد (یعنی آنرا آب کشد) و در آن نماز بخواند .

2- نباید فراموش کرد که در تاریخ اسلام تعداد زیادی از حوادثی به وقوع پیوسته است که صحابه کرام مجروح گردیده اند دیده نشده که پیامبر صلی الله علیه وسلم امر به شستن آن کرده باشد و یا فرموده باشد که این خون نجس است .

زمانیکه امیر المومنین توسط ابو لولو مجوسی در مسجد در نماز صبح شدیداً زخمی گردید ، حضرت عمر به نماز جماعت خویش تا استطاعت بدنی خویش ادامه داد ، اگر خون نجس میبود ، و به حیث شکننده وضو بحساب می آمد ، امیر المومنین حضرت عمر (رض) نماز خویش در همان اولین لحظه بعد از وقوع حادثه و جاری شدن خون قطع میگردد .

عالم شهیر جهان اسلام شیخ حسن بصری (متولد سال ۲۱ هجری در مدینه و متوفی به سال ۱۱۰ هجری قمری در بصره) میفرماید :

« ما زال المسلمون يصلون فی جراحاتهم » همواره مسلمانان با زخمهای خونین نماز میخواندند . بخاری این مطلب را ذکر کرده است . و این دلالت بر پاک بودن خون است و گرنه اصحاب رضی الله عنهم با بدن خونی نماز نمی خواندند .

الحافظ ابن حجر العسقلانی در فتح الباری اشاره به موضوع ترور امیر المومنین حضرت عمر نموده میفرماید : « عمر رضی الله نماز خواند، در حالیکه خون از زخمش جاری بود . »
 هکذا حضرت ابوهریره رضی الله عنه گفته است : در یک قطره و دوخون برای نماز خواندن فرقی ندارد .

شیخ ابن تیمیه میفرماید :

« شایسته است لباسی را که با چرک و تراوش زخم آلوده شده باشد ، بشویند ولی دلیلی بر نجاست و پلیدی آن اقامه نشد است . » بهتر آنست که بقدر امکان، انسان از آن پر هیز کند .

شیخ ابن عثیمین می گوید :

«از ظاهر نصوص چنین برداشت می‌شود که تطهیر خون خارج از بدن واجب است، این سخن را بدان خاطر گفتیم که در روایات داریم که زخم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شسته شد.

ولی این سخن‌ها ممکن است با مطلب ذیل در تعارض باشد: اگر اجزای جدا شده از بدن انسان پاک است، پس خونی که از بدنش بیرون می‌آید باید به طریق اولی پاک باشد. لیکن به دلیل ظاهر نصوص و پرهیز از شبهات، احتیاط در شستن خون است.» (مجموعه فتاوا و رسایل (266/11))

خواندن نماز با دهن خون پُر:

اگر دهن یک نماز گزار قبل و یا در حین ادای نماز خون پُر گردد، حکم اسلامی همین است که ضرورت به جبران یا قضای نماز نیست؛ کفایت قبل از نماز خواندن دندان و دهان خود را از خون پاک کنید و سپس نماز خویش ادامه دهد، و اگر احیانا مشکل خون در دهن، در اثنای نماز به وقوع بپیوندد و یا هم خون در دهن جمع شود، نماز گزار میتواند خون دهن خویش را در اثنا نماز در درون یک دستمال نف کرده سپس آنرا دور بیاندازد و به نماز خویش ادامه دهد.

ولی امام صاحب ابو حنیفه در مورد آمدن خون از دهن رای خود را دارد و آنرا با قی واستفراغ دهن پور مقایسه نموده میفرماید:

اگر یکنفر نماز گزار در اثنای نماز خون قی نماید، پس این قی کردن را باید از دو دید مورد بررسی قرار داد:

اول: اگر قی مملو از خون لخته باشد، در این حالات پور و مملو بودن دهن معتبر است، زیرا این خون «سودا» سوخته شده است، و این بدین معنی است که این خون از معده خارج شده است، و خود را به دهن رسانیده است، پس چیزیکه از معده خارج گردد، و خود را به دهن برساند، ناقض وضو بوده ولی شرط همان مملو بودن دهن است.

دوم: اگر قی مملو دهن از خون تازه و یا به اصطلاح قی از خون سیلان باشد امام صاحب محمد میفرماید: اگر دهن مملو و پُر باشد، این پور بودن قی با خون، ناقض وضو بوده، در غیر آن اگر دهن مملو و پُر نباشد، ناقض وضو نمی باشد.

امام صاحب محمد میفرماید:

که قی خون را به سایر قی ها واستفراغ ها قیاس نموده و میفرماید: قی بر چهار قسم است:

1- قی از غذا

2- قی از آب

3- قی از صفراء

4- قی از سودا

در این نوع قی ها واستفراغ ها زمانی وضو باطل می‌گردد که دهن نماز گزار مملو از قی باشد یعنی شرط مملو بودن دهن مهم است ، ولی اگر دهن مملو نباشد ، قی کم در نزد امام محمد هم ناقض وضو نیست ، همینطور در قی خون عین قاعده را درپیش گرفته ومیفرماید اگر قی با دهن پور باشد ، شکننده وضو است .

در خون تازه حکم کلی امام صاحب ابو حنیفه وامام صاحب محمد همین است که خون تازه وجاری شکننده وضو بوده ، فرق نمیکند که دهن مملو و پور باشد و یا هم دهن مملو وپور نباشد ، مقدار خون کم باشد ویا هم زیاد باشد در هر دو صورت ، ناقض وضو است .

دلیل شان اینست که : معده محل خون نیست . این خون به اثر زخم شکم خارج گردیده است و آنرا به خون که از زخم اشکار بیرون میشود قیاس نموده ومیفرماید در خون اشکار سیلان خون از محل خون معتبر بود ، پس در قی که باخون تازه باشد ناقض وضو است ، طوریکه در فوق یاد اور شدیم فرق نمیکند که این خون با دهن پر باشد ویا هم دهن پر نباشد .

ولی در نزد سایر فقها ، قی (استفراغ) وخون ناقض وضو نبوده چون در این مورد نص صریح شرعی وجود ندارد . (تفصیل موضوع را میتوان در صفحه 156 احسن الهدیه مولانا جمیل احمد سکرودوی مدرس دارالعلوم دیوبند ، مطالعه فرماید .)

هكذا حکم خون بینی ویا خونیکه از سر به نرمی بینی برسد بنزد امام صاحب ابوحنیفه ناقض وضو بوده ، زیراخون به محلی رسیده است که به ان حکم پاک کردن لاحق است یعنی در غسل پس سیلان متحقق شد .

خواننده محترم !

استفراغ یا قی که آیا شکننده وضو میباشد ویاخیر ، از موضوعات اختلافی در بین علماء میباشد . تعداد کثیری از علماء بدین نظر اند که قیء (استفراغ) نجس هست ، وشکننده وضو است .

ولی در مقابل تعدادی دیگر از علماء میفرمایند که : قیء (استفراغ) نجس وناقض وضو نمی باشد .

زیرا اصل اشیاء پاک و ظاهر هستند مگر اینکه دلیلی از شریعت بر نجاستش وارد شده باشد ، و در نجس بودن استفراغ هیچ دلیل صحیح و صریحی شرعی وجود ندارد ، پس حکم شرعی همین است که نجس نیست .

پروردگار با عظمت ما هر مسلمان را به اندازه استطاعت وتوانمندی اش

مكلف گردانیده است که در برابر خویش تقوا را پیشه خود سازد: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (سوره تغابن آیه : 16). یعنی: پس تا (جائیکه) می‌توانید تقوای الهی را پیشه خود سازید .

خواننده محترم !

خروج مقدار اندکی خون از دانه ویا هم جوانی دانه ها بجز به رای امام صاحب ابوحنیفه ، نزد سایر پیروان مذاهب وضوء را باطل نمی کند، فقط کفایت خون را از روی دست ویا هم عضو دیگر جسم پاک نمود و بعداً به نماز خواندن خویش ادامه دهید . **پایان**

فهرست :

- خون چیست؟
- حکم خون در اسلام
- هر حرام نجس نیست ولی هر نجس حرام است!
- آیا خون شکننده وضوء است؟
- خون نجس در اسلام
- خون در حال حیات
- خون حیض
- خون ماهی
- خون مگس، پشه
- خون انسان و خون حیوان حلال گوشت
- خواندن نماز با دهن خون پُر

آیا خون شکننده وضوء است؟

تتبع ، نگارش و نوشته از:

الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
ادرس ارتباطی :

saidafghani@hotmail.com